



امنیت در قرن بیست و یکم سازمان ملل متحد، افغانستان و عراق^۱

ترجمه و تلخیص معارف پژوهش و تولید علم

مقدمه

قرن بیست و یکم تاکنون شاهد دو درگیری عمده از طریق دخالت در افغانستان و عراق بوده است.

جامعه بین الملل و سازمان ملل متحد در گذشته با چالش هایی ناشی از بسیاری از موضوعات عمده که در ارتباط با استفاده از زور بوده و نیز نقش این سازمان به ویژه شورای امنیت در برقراری صلح و امنیت روبرو بوده است. نسبتاً ممنوعیت استفاده از زور بین دولت ها اخواً مطرح بوده است. قبل از آن نگرش امپراطوری روم مبنی بر جنگ های عادلانه و غیرعادلانه حاکم بود. با توجه به شرارت های به وقوع پیوسته در جریان جنگ جهانی اول و درخواست ها جهت تضمین این امر که چنین، فجایعی درآینده رخ نخواهد داد، نیروهای متحدین مبادرت به تشکیل اتحادیه ملل نمودند.

در پیمان اتحادیه مزبور آمده بود که چنانچه کشورهایی خود را در شرایط درگیری ببینند، در این صورت آنها موظف هستند تا موضوع اختلافی خود را به حکمیت بگذارند، چنانچه پس از گذشت سه ماه آن موضوع حل نگردید، در آن صورت می توانستند به جنگ متوسل شوند.

با این حال در پیمان مزبور به طور کامل استفاده از زور به عنوان راه حل درگیری های بین المللی رد نشده بود.

اما پیدایش جنگ دوم جهانی فرصت لازم را جهت ممنوعیت کامل و جامع استفاده از زور فراهم آورد.

^۱ - Security in the Twenty First Century, The united Nations, Afghanistan and Iraq, Alex Conte, Ashgate, ۲۰۰۵, p۲۰.

در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۶، پنجاه کشور (به نمایندگی از اکثر جامعه بین‌المللی در آن زمان) متعهد به تشکیل سازمان ملل متحد برای تحقق اهداف زیر شدند:

- جهت نجات نسل‌های آتی از مصیبت جنگ که تا آن زمان دوبار اتفاق افتاده بود و آلام ناگفته‌ای را برای بشریت در پی داشت.
- برای تأیید مجدد حقوق اولیه بشر، حفظ عزت و ارزش فردی، حقوق یکسان مردان و زنان و کشورهای بزرگ و کوچک.
- ایجاد شرایطی که براساس آن عدالت و احترام نسبت به تعهدات مندرج در پیمان‌ها و دیگر منابع حقوق بین‌الملل حفظ شود.
- ارتقاء سطح پیشرفت‌های اجتماعی و استانداردهای بهتر زندگی در آزادی‌های بیشتر.

در ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد آمده است که کشورهای عضو این سازمان موظف هستند تا اختلافات خویش را از طریق راه‌های صلح‌آمیز حل کنند به شیوه‌ای که صلح و امنیت بین‌المللی در معرض خطر قرار نگیرد.

خود سازمان ملل نیز از دخالت کردن در امور داخلی هر یک از اعضاء بدون رضایت عضو مربوط منع گردیده مگر آنکه این اجازه در منشور سازمان داده شده باشد.

مهم‌تر آنکه، براساس ماده ۲، اعضاء سازمان ملل متحد باید از به‌کارگیری تهدید ناشی از استفاده از زور در روابط بین‌الملل امتناع ورزند.

براساس منشور سازمان ملل متحد، دو موقعیت وجود دارد که کشورها مجاز به استفاده از زور علیه کشور دیگر هستند که عبارتند از:

زمانی که یکی از طرفین دفاع از خود نماید و یا زمانی که استفاده از زور توسط شورای امنیت مجاز شمرده شده باشد.

در بخشی از این کتاب اشاره به تروریسم بین‌المللی شده و تاریخچه این تروریسم را به انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۸ نسبت می‌دهد.

همچنین توضیح داده می‌شود که موضوع تروریسم به دنبال یک سری هوایما ربایی در دهه ۱۹۶۰ همواره از نگرانی‌های سازمان ملل متحد بوده است.

اما از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ موضوع تروریسم وارد مرحله جدیدی گردید. به نحوی که فناوری و رسانه‌ها توسط سازمان‌های تروریستی به کار گرفته شد تا به کمک آنها اقدام تروریستی با تأثیر بیشتری اعمال شود.

شاید مهم‌ترین نکته پیرامون موضوع تروریسم و جنگ علیه تروریسم، مرتبط با دخالت در

افغانستان تحت عملیات آزادی پایدار بود.

شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز بلافاصله پس از حادثه ۱۱ سپتامبر یک کمیته ضد تروریسم تشکیل داد و قطعنامه ۱۳۷۳ را به تصویب رساند که براساس آن، تعهدات و الزامات خاصی را برای کشورهای عضو وضع نمود.

نویسنده در بخشی از کتاب به دخالت در افغانستان اشاره دارد و به این نکته اشاره می نماید که ساقط نمودن طالبان در افغانستان برای از بین بردن تهدیدات تروریستی علیه ایالات متحده امریکا لازم و ضروری بود.

همچنین به موضوع عراق، کویت و سلاح های کشتار جمعی پرداخته و در مورد عراق معتقد است که این کشور به عنوان عامل بسیاری از درگیری ها و بی ثباتی در منطقه خاورمیانه تبدیل شده بود. عراق در سال ۱۹۹۰ به بهانه اختلاف مرزی با کویت، به آن کشور حمله و آن را اشغال نموده و سرانجام با عملیات طوفان صحرا از کویت خارج گردید، اما تهدید ناشی از تسلیحات کشتار جمعی این کشور همچنان پابرجا باقی ماند. قطعنامه های سازمان ملل متحد مبنی بر اعمال تحریم های اقتصادی علیه عراق نتوانستند تهدید مربوط به تسلیحات کشتار جمعی آن کشور را کاهش دهند و تنها منجر به ایجاد بحران های انسانی جهت مردم عراق گردید. اما امتناع عراق از همکاری با بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل و نیز آژانس بین المللی انرژی اتمی باعث گردید تا عملیات رویاه صحرا به رهبری امریکا در سال ۱۹۹۸ صورت گیرد.

در زمینه عملیات آزاد سازی عراق، نویسنده به این موضوع پرداخته که دخالت در عراق در سال ۲۰۰۳ یک موضوع جنجالی در قبل از شروع عملیات و زمان انجام آن بود زیرا نیروهای ائتلاف نتوانستند تسلیحات کشتار جمعی در خاک عراق بیابند و از سوی دیگر سازمان ملل متحد اجازه انجام چنین عملیاتی را صادر نکرده بود.

در بخش دیگری از کتاب تحت عنوان اصلاحات شورای امنیت، به این امر اشاره شده است که علی رغم ارائه پیشنهادها خاص در زمینه انجام اصلاحات در منشور سازمان ملل، اما از زمان تصویب این منشور در سال ۱۹۴۵ تا کنون هیچ تغییری در آن ایجاد نشده است. در این ارتباط مشکل اصلی عدم وفاق و همگرایی پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل بر سرانجام چنین اصلاحاتی است.

کتاب «امنیت در قرن بیست و یکم» دارای ۹ فصل به شرح زیر می باشد:

۱ - مقدمه

- ۲- تروریسم بین المللی
- ۳- عملیات آزادی پایدار
- ۴- بازسازی اقتصادی و سیاسی در افغانستان
- ۵- حملات پیشگیرانه در جنگ علیه تروریسم
- ۶- عراق، کویت و تسلیحات کشتار جمعی
- ۷- عملیات آزاد سازی عراق
- ۸- اصلاحات شورای امنیت سازمان ملل متحد و حسابرسی
- ۹- نتیجه گیری

کتاب «امنیت در قرن بیست و یکم» حاوی مطالب و موضوعات بدیع و نسبتاً جدیدی در زمینه امور امنیتی در گذشته و حال بوده که نویسنده کتاب به بررسی آنها پرداخته و نظرات تحلیلی خویش را ارائه نموده است. به نظر می رسد مطالعه مطالب آن برای علاقمندان عرصه دفاع و امنیت مفید باشد.

این کتاب ضمن بررسی موضوعات امنیتی گذشته، به پدیده های ضد امنیتی در قرن بیست و یکم نظیر پدیده های تروریستی و اشغال کشورها و همچنین اشغال عراق و افغانستان پرداخته و با یک دید تحلیلی آنها را مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار می دهد. در این کتاب به این موضوع اشاره شده که گرچه تروریسم ظاهراً یک پدیده جدید می باشد، اما دارای ریشه های تاریخی است و به نمونه هایی از آن در زمان وقوع انقلاب فرانسه اشاره می کند و به طور ضمنی از عدم اجرای برخی از این بندها من جمله عدم تغییر اصلاحات در شورای امنیت پس از گذشت بیش از پنجاه سال از تشکیل آن و نیز عدم حسابرسی در این سازمان سخن به میان آورده است. همچنین به صورت ظریفی از حمله امریکا به عراق به این دلیل که بدون مجوز سازمان ملل متحد صورت گرفته بود، انتقاد نموده و به این نکته اشاره کرده که بهانه امریکا از حمله به عراق داشتن تسلیحات کشتار جمعی بود که پس از حمله مشخص گردید چنین ادعایی صحت ندارد. از سوی دیگر به این مهم پرداخته شده که فلسفه تشکیل سازمان ملل متحد عدم استفاده از زور برای حل درگیری های بین المللی می باشد و این در حالی است که این اصل نیز در اوائل قرن بیست و یکم توسط یکی از کشورهای منادی تشکیل این سازمان نقض گردیده است. به نظر می رسد نویسنده تلاش نموده تا با یک دید نسبتاً بی طرفانه ای موضوعات امنیتی و چالش های فراروی آنها در قرن کنونی را مورد نقد قرار دهد.